

## نگاهی به تاریخ محلی شوشتر از صفویه تا قاجار با تکیه بر نقش علما

دکتر حمید اسدیپور<sup>۱</sup>

مسعود ولی عرب<sup>۲</sup>

سعید زاهدزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

شوشتر از مهم ترین مراکز علمی و ادبی خوزستان محسوب می شده است که مدتی تحت نظارت مشعشعیان درآمد. تأثیر پیشوایان و جامعه دینی شوشتر بر مشعشعیان انکارناپذیر است. در واقع اهمیت این شهر به عنوان کرسی (مرکز) خوزستان و به ویژه نقش خاندان مرعشی و جزایری شوشتر در حیات دینی و معنوی استان خوزستان بسیار زیاد است. در زمان حکومت افشارهای شوشتر (۹۳۲-۱۰۳۶ ه.ق) و حکومت گرجیان شوشتر (۱۰۴۲-۱۱۴۴ ه.ق) علما و روحانیون شوشتر پیوند خود را با مراکز قدرت حفظ کردند. در دوره افشاریه و زندیه و قاجاریه حاکمانی از طبقه سادات بر شوشتر حکومت نمودند. رقابت تنگاتنگ سادات مرعشی و کلانتر از دوره صفویه تا اواخر قاجار در نقش آفرینی و کسب قدرت معنوی و مادی در شوشتر در استمرار داشته است و از جمله دلایل تغییر و تحولات در جامعه شهری شوشتر بوده اند.

**واژگان کلیدی:** علما، تاریخ محلی شوشتر، سادات مرعشی، جزایری، کلانتر، صفویه، قاجاریه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر (نویسنده مسئول)،

m.valiarab@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام از دانشگاه خلیج فارس بوشهر

<sup>۳</sup>. کارشناسی ارشد تاریخ

شوشتر از نظر موقعیت جغرافیایی و نظامی که داشته است، همواره مرکزیت خوزستان را برعهده داشته است و همین از جمله عواملی است که خاندان های علما و روحانیون به صورت ماندگار در این شهر حضور داشته اند. بازماندگان عارف بزرگ در اوایل دوره اسلامی عبدالله تستری، خاندان شرف الدین شوشتری می باشند که در موعظه و ارشاد مردم کوشا بوده اند.

ورود خاندان سادات مرعشی به شوشتر در دوره تیموری، در قدرت و تاثیر علما و روحانیون شوشتر نقش بسیار زیادی داشته است. در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که نهاد و طبقه روحانیت چه تاثیری در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از دوره صفویه تا قاجار به گذاشته است؟

فرضیه ما این است که طبقه و نهاد روحانیت در شوشتر به خاطر تداوم و استمرار که در حیات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی شوشتر داشته اند از مهم ترین طبقات تاثیرگذار در تحولات شوشتر بوده اند.

### منابع تاریخ نگاری محلی شوشتر

#### کتاب مجالس المؤمنین

یکی از مهم ترین آثار قاضی نورالله شوشتری است، که آن را، در سال (۱۰۱۳ ه.ق) نگاشته است. قاضی نورالله شوشتری از مؤلفان معروف فارسی و عربی در سده دهم و آغاز سده یازدهم هجری است. کتاب مجالس المؤمنین، یکی از کتب بسیار ارزشمند او درباره تشیع است که به زبان فارسی نگارش شده است نثر آن کتاب ساده و روان است. از دیگر آثار قاضی نورالله شوشتری که در این کتاب استفاده شده است. کتاب احقاق الحق، نام دارد که به زبان عربی تألیف شده است و در واقع، ردیه ای بر کتاب ابطال الباطل روزبهان خنجی اصفهانی است. (بیات، ۱۳۸۸: ۲۸۵-۲۸۴)

#### کتاب فردوس در تاریخ شوشتر

تألیف علاءالملک پسر دانشمند قاضی نورالله شوشتری، استوی در حدود ۱۰۴۶ ه.ق درگذشت. فردوس در تاریخ شوشتر، تاریخچه ای است برای شوشتر و تذکره ای است برای بعضی از مشاهیر این شهر که در زمان حیات مؤلف می زیستند. این کتاب اگر چه از نظر ظاهر، کم حجم و کوچک به نظر می رسد اما از جهت معنی بسیار بزرگ است زیرا شرح بسیاری از شعرا و علمای شوشتر را بیان می کند که در منابع تاریخی دیگر، اشاره ای به آن ها نشده است خصوصاً اطلاعات جالبی از شرح حال پدربزرگوار خود قاضی نورالله شوشتری داده و همچنین به معرفی خاندان سادات مرعشی شوشتری می پردازد. (علاءالملک شوشتری مرعشی ۱۳۵۲ : ۱۵)

### کتاب تذکره شوستر

مشهورترین اثر سید عبد الله جزایری، از سادات نوریه شوستر است. این کتاب، ۴۷ فصل دارد و حوادث شوستر، از آغاز تاریخ شوستر تا سال ۱۱۷۳ ه.ق را شامل می شود. تذکره شوستر، ویژگی های دیگری نیز دارد که از جمله، به فتنه گری های بعضی از اقوام و طوایف اشاره کرده و نقش آنان را در تحولات تاریخی شوستر، آشکار می سازد. علاوه بر این ها، نام بسیاری از آثار و بناهای تاریخی شوستر را بیان می کند که متأسفانه، بعضی از آن ها، در گذر زمان از بین رفته اند (جزایری شوستری ۱۳۸۸: ۲۹)

### کتاب تحفه العالم

تألیف میرعبد اللطیف شوستری، از نوادگان سید نعمت الله جزایری و از سادات نوریه شوستر و برادر زاده سید عبدالله جزایری مؤلف تذکره شوستر است، سفر نامه وی، حاوی نکات تاریخی جغرافیایی، شعر و ادب فارسی، شرح احوال خویش و دیگر مشاهیر خاندان جزایری است. مؤلف اثر خود را، در سال ۱۲۱۶ ه.ق. به پایان برده و ظاهراً در سال ۱۲۱۹ ه.ق ذیلی به نام «ذیل التحفه» بر آن افزوده است اما موفق به اتمام آن نشده است. مؤلف، بر آن بوده تا اوضاع شوستر و برخی از محاسن اجداد خود را شرح دهد. میرعبد اللطیف شرح کتاب خود را، از ابتدای تاریخ شوستر آغاز و تا سال ۱۲۱۹ ه.ق. به پایان می برد. این اثر به لحاظ درج اصطلاحات دیوانی و لشکری دوره افشاریه و زندیه در ایران و هند حائز اهمیت است (جزایری شوستری، ۱۳۸۸: ۲۹)

### کتاب بضاعه مزجاه

بضاعه مزجاه هم تاریخی است در باب شوستر و مبتنی بر اطلاعات تذکره شوستر و نیز تحفه العالم، مؤلف بضاعه مزجاه سید عبدالحسین شوستری در سال ۱۲۴۶ ه. ق در خدمت محمد حسین میرزا حشمت الدوله از نوادگان فتح علی شاه بود. اثر او گزارشی از تاریخ و جغرافیای شوستر و علی الخصوص بندخاقانی است که توسط پدر شاهزاده یاد شده تعمیر شده بود.

در باب تاریخ خوزستان نمی توان بدون ذکر تاریخ پانصد ساله خوزستان از سید احمد کسروی گذشت این تاریخ وقایع خوزستان را از روزگار آل مشعشع تا زمان حاضر در برمی گیرد. (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۹۱-۲۹۰) آثار دیگر کسروی همچون ده سال در عدلیه و مشعشعیان نیز سودمند هستند.

### تاریخ شوستر آقا شیخ مهدی شرف الدین شوستری (نسخه خطی)

خاندان شرف الدین که از نوادگان سهل بن عبدالله شوستری (متوفی ۲۸۵ ه.ق) خاندان شرف الدین در مدت هزار و می باشند. (ابن بطوطه دو بیست سالی که در شوستر بوده اند، کتاب ها و حاشیه نوشته های فراوانی درباره اسناد و وقف نامه ها و اجازه نامه هایی در اختیار داشته ند. که در لابه لای

این اسناد و ادعیه و وقف نامه ها و اجازه نامه ها، مطالب زیادی درباره شوشتر و تاریخ محلی آن، ثبت نموده اند. کتاب تاریخ شوشتر نسخه خطی آقا شیخ مهدی شرف الدین (متوفی ۱۳۵۳ ه.ش) ۱۳۳۸ ه.ش-۱۳۳۷ ه.ش به رشته تحریر درآمده است. این کتاب، آخرین- در سال های تاریخ محلی شوشتر محسوب می شود. آقا شیخ مهدی شرف الدین، مؤلف کتاب، با در اختیار داشتن متون اسناد و... مطالب فراوانی پیرامون مزارات و بقاع متبرکه و کتابخانه ها و مدارس در شوشتر ذکر نموده است که در هیچ یک از کتاب های پیشین درباره شوشتر، چنین اطلاعاتی گسترده و مفصلی در این زمینه وجود ندارد.

### نخستین سادات مرعشی شوشتر

#### میر نجم الدین محمود

میر نجم الدین محمود اولین شخصی است که از سادات مرعشی مازندران در سده ی هشتم هجری به شوشتر آمد. درباره آمدن وی به شوشتر نوشته اند که میر نجم الدین در زمان حکومت عزالدوله که او را "عزالدوله و عضدالمله حسینی" هم گفته اند در راه بازگشت از زیارت عتبات در شوشتر توقف کرد. در مسیر این توقف، مقام علمی و تقوای وی چنان مورد توجه و محبت حاکم شوشتر و مردم قرار گرفت که تنها دختر سید عضدالدوله را به عقد وی درآوردند. بعد از درگذشت حاکم شوشتر، میر نجم الدین محمود وارث املاک و اموال و حکومت عضدالدوله شد. (قاضی شوشتری، ۱۳۹۱، ج ۱: ۷۱)

#### سادات مرعشی شوشتر در زمان صفویان

در سال ۹۱۴ ه.ق شاه اسماعیل صفوی بعد از فتح بغداد و برای سرکوب خاندان مشعشی به خوزستان آمد وی بعد از فرو نشاندن این فتنه متوجه شوشتر شد. در شوشتر از کوشش های میر نورالله بن سید محمدشاه (مرعشی) در ترویج مذهب جعفری آگاه شد بنابراین نسبت به وی کمال احترام و عزت را نمود و املاک قدیم را به وی بازگرداند و املاک جدیدی به وی واگذار کرد. (جزایری شوشتری، ۱۳۸۸: ۱۱۱)

#### میر شمس الدین اسدالله صدر مرعشی "میر شاه میر"

میر زین الدین علی فرزند سید محمدشاه مرعشی یک پسر داشت به نام شمس الدین اسدالله الحسینی معروف به صدر العلما یا میر شاه میر بود که در سال ۹۴۳ ه.ق به منصب صدارت رسید. محقق ثانی، شیخ عبدالعالی برای وی اجازه نوشت و این اجازه شاهی است بر مهارت وی در علوم عقلی و فنون نقلی. وی که از علمای زمان خود بود مدتی صدارت شاه طهماسب صفوی را به عهده داشت و به همین دلیل به صدر یا صدرالعلما معروف گردید. (قاضی الحسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۶۲)

از شاگردان معروفی که نزد میر شاه میر درس خوانده و از وی اجازه نقل روایت داشته است می توان به میر سید حسین الموسوی العاملی الکرکی اشاره نمود. میر شمس الدین اسدالله مرعشی

"میر شاه میر" بعد از مدتی به قزوین پایتخت شاه طهماسب فراخوانده شد و بر اثر کهولت سن در گذشت. (قاضی الحسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۶۲)

در سال ۹۵۶ ه.ق هنگامی که شاهزاده القاص میرزا فرزند شاه طهماسب به طرف شوشتر حرکت کرد و سعی در تسخیر قلعه شوشتر داشت با سعی و اهتمام سادات رفیع الدرجات شوشتر خصوصاً میر سید علی و میر عبدالوهاب و میر شاه میر "شمس الدین اسدالله مرعشی شوشتری" که مرجع آن دیار بودند فدوی وار به دفاع از شوشتر پرداختند. "القاص میرزا" شاهزاده شورشی صفوی که هر کاری کرد نتوانست قلعه شوشتر را تسخیر کند، از اندیشه خویش صرف نظر کرد و رهسپار دزفول شد. رشادت‌های سادات مرعشی شوشتر که در صدر آنها نیز اسدالله صدر مرعشی و دو فرزندش، می رسید علی و میر عبدالوهاب بودند از چشم شاه طهماسب صفوی دور نماند به گونه‌ای که به زودی فرمانی صادر کرد و سادات مرعشی شوشتر را به قزوین پایتخت صفویان دعوت کرد. (منشی قزوینی، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

### میر سید علی صدر مرعشی

وی که فرزند میر شمس الدین صدر مرعشی "میر شاه میر" بود دارای فضایل اخلاقی و تحصیلات عالی بود و مدت ها به نیابت از پدر امور صدارت را اداره می‌کرد. میر سید علی به آبادانی و عمران شوشتر خدمات بسیاری نمود و در عقیلی، جنت مکان (جَلْکَان)، شاه ولی نهرهای بسیار احداث کرد و باعث آبادی و رونق شوشتر گردید. (قاضی الحسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۶۲؛ واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۴۲۳) در ماه ذی‌العقده سال ۹۷۰ ه.ق شاه طهماسب وی را به صدارت منصوب کرد. شاه طهماسب در احترام به سادات به قدری زیاده روی کرد که میر سید علی مرعشی شوشتری بعد از مقام صدارت استعفا داد و اداره‌ی امور آستان قدس رضوی را پذیرفت. سرانجام، وی که در جوار امام رضا زندگی می‌کرد در همان شهر نیز در گذشت. (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۴۳؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

### میر عبدالوهاب صدر مرعشی

سید عبدالوهاب نیز مانند برادرش (میر سید علی) در خدمت پدر مراحل رشد و تحصیلات را طی نمود و به درجات مهمی نایل آمد. میر عبدالوهاب از نویسندگان بزرگ زمان خود بود. از خدمات برجسته‌ی وی، تأسیس کتابخانه‌ی بزرگی در شوشتر بود و از این راه خدمات شایانی به مردم شوشتر و ساکنان اطراف آن نمودند. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۳؛ مرعشی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۹) در سال ۹۷۰ ه.ق شاه طهماسب، میر علاء‌الملک مرعشی را که از بزرگان زمان خویش بود قاضی عسکر نمود چون میر علاء‌الملک در شوشتر بود. برادرش عبدالوهاب که در دربار حاضر بود به نیابت از میر علاء‌الملک قاضی عسکر شد. (قاضی حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۳۸؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ۷۵) میر رشیدالدین فرزند میر عبدالوهاب در سال ۹۸۵ ه.ق حاکم شوشتر بوده است. (شوشتری مرعشی حسینی، ۱۳۵۲: ۲۳؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۹؛ مرعشی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۹۱-۹۰)

### قاضی نورالله شوشتری (شهید به سال ۱۰۱۹ ه.ق)

قاضی نورالله از جمله معروف ترین افراد خاندان سادات مرعشی شوشتری است ایشان، در سال ۹۵۶ ه.ق در شوشتر دیده به جهان گشود. در سال ۹۷۹ ه.ق برای تکمیل تحصیلات و زیارت عازم مشهد مقدس شد در آنجا علاوه بر مطالعه علوم دینی و معارف یقینی از محضر مولانا عبدالواحد و دیگر اساتید بهره ها برد. در سال ۹۹۲ ه.ق در اثر فتنه و آشوبی که در خراسان حاکم بود به هندوستان رفت. قاضی نورالله در هند مورد توجه و عنایت جلال الدین محمد اکبر شاه (گورکانی) واقع شد مدت ها سمت صدارت و قضاوت را به عهده داشت به همین دلیل به قاضی نورالله معروف گردید. نورالله شوشتری را: «نود و شش رساله دانسته است (مرعشی شوشتری، ۱۳۵۲: ۳۱-۲۷، / شوشتری، ۱۴۰۹ ه.ق، المقدمه ۱/۱۰۵-۹۷ / صفا، ۱۳۷۸: ج ۵/ ۱۷۰۶)

قاضی نورالله با تسلطی که بر اصول مذاهب چهارگانه اهل سنت داشت کلیه احکام خود را طبق اجتهاد شیعه و موافق با یکی از مذاهب اهل سنت صادر می کرد. (مرعشی شوشتری، ۱۳۵۲: ۳۶-۲۴ / جزایری، ۱۳۸۸: ۱۱۳ / مرعشی، ۱۳۶۵: ج ۱/ ۷۶-۷۵، ۷۴)

### فرزندان قاضی نورالله شوشتری

قاضی نورالله پنج پسر داشت. سید شریف، سید محمد یوسف، سید علاء الملک، ابوالمعالی و علاء الدوله همه اهل فضل و از علمای زمان خود بودند. (مرعشی شوشتری، ۱۳۵۲: ۳۹-۳۸-۳۷) معروف ترین پسر قاضی نور الله، سید علاء الملک است. (مرعشی، ۱۳۶۵: ۷۹)

### جایگاه مولانا عبدالله شوشتری در دربار صفوی

ایشان در اوایل قرن دهم در دارالمومنین شوشتر دیده بر جهان گشودند هنگامی که به سن جوانی رسیدند برای ادامه تحصیلات به شهر شیراز هجرت نمودند ایشان بیش از پیش بر دانش خویش افزودند تا بدانجا که به درجه کمال در علم رسیدند مولانا عبدالله شوشتری برای زیارت حرم امام علی بن موسی الرضا(ع)، رهسپار مشهد شد ایشان در حرم امام رضا(ع)، برای رضای خدا، در ترویج علم و دانش اهل البیت (ع)، کوشش بسیار نمود تا زمان یورش ازبکان، مولانا عبدالله شوشتری در مشهد، ماندگار بود در سال ۹۹۷ ه.ق ازبکان به مشهد تاختند و بخش هایی از این شهر را، با خاک یکسان ساختند ازبکان، مولانا عبدالله شوشتری را، به اسارت گرفتند و پیش عبدالله خان ازبک فرستادند، در بخارا، میان ایشان و علمای اهل سنت، مناظره های بسیاری انجام شد علمای اهل سنت، چون در مناظره ها، از شکست، خسته شدند ناجوانمردانه مولانا عبدالله شوشتری را به شهادت رسانند (ترکمان ج ۱/ ۱۵۵-۱۵۴ / میرزابیگ جنابدی: ۶۸۷)

**حکومت فتحعلی خان گرجی (۱۱۰۵-۱۰۷۸ ه.ق) و تاثیر ورود سادات جزایری به شوشتر**  
حکومت شوشتر بعد از وفات واخوشتی خان به پسرش فتحعلی خان رسید. فتحعلی خان از سال (۱۱۰۵-۱۰۷۸ ه.ق / ۱۶۹۳-۱۶۷۳ م) فرمانروایی شوشتر را به عهده داشت و همانند پدرش ارادتمند سادات و علما و مربی اهل کمال بود.

اسلمس بیگ (اصلانخان) که به نیابت از فتحعلی خان کارگزار شوشتر شده بود مقدم سید نعمت الله جزایری را محترم شمرد و اسباب راحتی آنان را آنچنان که شایسته ارباب معرفت باشد فراهم ساخت و خانه ای برای سید نعمت الله جزایری در نزدیکی مسجد جامع شوشتر انتخاب شد. (جزایری ۱۳۸۸ : ۱۳۱-۱۲۹) خاندان سادات و مرعشی و سادات جزایری مورد احترام فتحعلی خان بودند. (کسروی، ۱۳۸۹: ۹۷-۹۵؛ جزایری، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

دانش پرورری و دانش دوستی امرای مشعشعی، سبب گردیده بود تا در دوره ی سیدعلی مشعشعی، سیدنعمت الله جزایری، نیای سادات جزایری خوزستان، از جزایر به خوزستان آمدند (کسروی، بی تا: ص ۷۲). سیدنعمت الله جزایری در کتاب الانوارالنعمانیه پس از ذکر دوستی و مرادده خویش با سیدعلی، او را در علم، ادب، عبادت، رسیدگی به حال مردم و شعر، سرآمد توصیف کرده است. (شبر، ۱۳۸۵: ۱۳۷)

### **سید نعمت الله جزایری**

ولادت ایشان در قریه صباغیه جزایر در سال ۱۰۵۰ ه.ق / ۱۶۴۰ م اتفاق افتاد (جزایری، ۱۳۸۸ : ۵۷ / شوشتری، ۱۳۶۳ : ۹۹). به سن پنج سالگی که رسید، ایشان را به مکتب خانه فرستادند و در نتیجه استعداد و شوق فراوان به علم و دانش، خواندن و نوشتن را در مدت کوتاهی فرا گرفت و قسمت هایی از قرآن را حفظ کرد.

آنگاه شروع به خواندن صرف و نحو نمود (جزایری ۱۳۷۶: ۲۷) ایشان برای تکمیل تحصیلات خویش به شیراز سفر کردند و مدت ۹ سال در شیراز ماندگار شدن و از محضر اساتید مدرسه منصوریه شیراز بهره های علمی فراوان بردند. ایشان، به جزائر باز گشتند و با دختری از خویشاوندان خود، ازدواج نمودند و سپس رهسپار، اصفهان، پایتخت صفویان شدند با علامه مجلسی مولف بحارالانوار آشنایی پیدا کردند سید نعمت الله جزایری، حدود ۸ سال، از محضر علمای اصفهان کسب فیض نمودند (جزایری ۱۳۷۶ : ۳۲-۲۹)

سید نعمت الله جزایری در سال ۱۰۷۹ ه.ق رهسپار شوشتر گردید و فتحعلی خان پسر واخستوخان که حاکم شوشتر بود به همراه میرزا عبدالله خان مرعشی شوشتری و سایر بزرگان شوشتر، ورود ایشان را گرمی داشتند و به استقبال ایشان شتافتند و خانه ای در نزدیکی مسجد جامع شوشتر برای ایشان مهیا ساختند. حاج محمد تقی کلاتر، که مرد نیک فطرتی بود، کاروانسرای را به سید نعمت الله جزایری تقدیم نمود، سید نعمت الله، تغییراتی در آن انجام داد و تبدیل به مدرسه کرد که

به نام مدرسه علمیه و مدرسه جزائریه معروف است (جزایری، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۳-۱۳۲ / شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱، جزایری، ۱۳۷۶: ۳۵)

سید نعمت الله جزایری، از جمله نویسندگانی است که به سرعت و کثرت تالیف موصوف و آثار ایشان، در عالم تشیع معروف است. تالیفات ایشان گذشته از زیبایی و شیوایی نثر، نکات علمی بی شماری را شامل می شود. تمام آثار سید نعمت الله جزایری شوشتری، به زبان عربی به نگارش در آمده است از مهمترین آثار ایشان: الانوار النعمایه و زهر الربیع است. (جزایری، ۱۳۷۶: ۴۷-۴۶)

### سید عبدالله جزایری و تالیف کتاب طلسم سلطانی در علم هیئت و نجوم

شاهان صفوی (و بزرگان هر ولایتی) را عادت بر این بود که پیش از تصمیم گیری در مورد هر عمل مهمی به مشاوره با طالع بینان خود بپردازند. در جهان اسلام، بررسی کواکب، تاحدی مشتاقانه دنبال می شد اسطرلاب یک ابزار ستاره شناسی بود طالع بینی محتاج محاسبات پیچیده ای بود برای تعیین موقعیت ستارگان (سیارگان) در یک زمان خاص، مثلاً هنگام تولد یک شاهزاده، تا طالع بین بتواند تأثیر ستارگان را بر آینده و اقبال او پیش بینی کند.

تعیین دقیق لحظه شروع بهار در هر سال برای طالع بینان اهمیت داشت تا بتواند سیر وقایع سال آتی را پیش بینی کند.

در دربار صفوی (و در عصر صفوی) طالع بینان دارای ارج و شأن بودند آنان کار خود را جدی می گرفتند و انتظار داشتند پیش بینی هایشان، پذیرفته شود. (سیوری، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

به گفته تونو طالع بینان دربار سالانه مبلغ عظیمی خرج بر می داشتند. او می گوید که هیچ طبقه ای از اجتماع مصون از شیوع خرافات مبنی بر طالع بینی نبود: "نه فقط مردان فهمیده و ادبا مشتاقانه به آن روی می آوردند، بلکه حتی مردم عادی و سربازان نیز به اظهار نظر در آن می پرداختند... هنگام صحبت تمامی حرف آنان، درباره ای افلاک، اوج، حسیض، فلک تدویر و فلک خارج است. (راجر سیوری ۱۳۸۸: ۲۲۳).

طلسم سلطانی از جمله آثار سید عبدالله جزایری (وفات ۱۱۷۳ ه.ق) است سید عبدالله دلیل تألیف این اثر را چنین بیان کرده است که روزی در مجلس ابوصالح سلطان ترشیزی حضور داشتم و در این میان، بحث از اقسام حکمت پیش آمد سخن به حقیقت علم طلسم و سیمیا که از فروع طبیعی (حکمت) است به میان آمد بعضی از حاضران در آن مجلس، در وصف کتاب غایه الحکیم که از مصنفات ابوالعباس احمد مجریطی مبالغه نمودند اما این کتاب به زبان عربی نوشته شده بود.

(هنگامی که اصل کتاب غایه الحکیم را دیدم متوجه شدم که ترتیب آن بسیار مغشوش و ناهنجار است و مطالب زاید بسیار دارد) سید عبدالله تصمیم می گیرد که هم کتاب غایه الحکیم را ترجمه کند و هم آن را با مطالب سایر کتاب های اهل این فن، آراسته سازد. (جزایری شوشتری ۱۳۹۰: ۳-۲).



مجربیطی نام کتاب خود را "غایه الحکیم و احق الننیحتین بالتقدیم" بیان کرده است و آغاز تألیف را ۳۴۳ ه.ق و اتمام آن را ۳۴۸ ه.ق عنوان کرده است کتاب غایه الحکیم بر چهار مقاله است. مقاله اول، در هفت فصل به قصد اینکه سیارات هفت تا هستند مقاله دوم صور فلکی، مقاله سوم در بهره های ستارگان از موالید، مقاله چهارم در سحر و حبشیان و نمونه هایی از اعمال سحریه. کتبی از این دست از چند نظر حایز اهمیت هستند. انتشار مواد خام تاریخ فکر جامعه ایرانی، آشنایی با باورهای نیاکان ما، نیاکان ما، فواید لغوی و دستوری و تاریخ زبان که درباره ی کتب حوزه های علوم مختلف - ادبی، تاریخی،...

### اما فواید کتاب طلسم سلطانی:

۱- در این کتاب، گاه اشاراتی به اوضاع اجتماعی آن روزگار شده است. مثلاً در فصل چهارم از باب دوم مقصد اول، سخن از صائبه خوزستان رفته است پیداست در آن زمان این قوم در شوشتر اقامت داشته اند. حکم فقه ای که سید عبدالله جزایری درباره ی این صائبه از علمای فقه نقل می کند نشان از دیدگاه گروهی از مسلمانان درباره ی این قوم دارد.

۲- از نظر مؤلف کتاب طلسم سلطانی، عقاید صائبه نظیر عقاید صوفیه در بین جمعیت مسلمانان است این نظر نشان دهنده نگاه منفی سید عبدالله به صوفیه است.

۳- این کتاب یک اثر علمی است و در آن از هیأت و نجوم و طلسمات سخن گفته شده است بنابراین برای بررسی سیر تاریخ علم در ایران و تحول دانش هیأت و نجوم مفید می تواند باشد.

۴- کتاب حاوی پاره ای لغات است که در فرهنگ های لغات امروز، آنها را نمی توان یافت مانند پایپچال. (جزایری شوشتری ۱۳۹۰: ۴۲-۴۱-۳۲-۲۱-۲۰)

### محلات شوشتر در دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه، اوضاع اجتماعی و تامین امنیت در شوشتر، غیرقابل تحمل می شده است. شوشتر شامل دو محله بزرگ، به نامهای، «دستووا» که محل استقرار خان (کلانتر) و معروف به (نعمت خانه) و «گرگر» که محل استقرار خان مرعشی (حیدر خانه) بوده است و. همیشه میان این دو محله درگیری و خصومت وجود داشته است.

ناآرامی های متعدد شهری به صورت گوناگون رخ می داد این ناآرامی ها اغلب تجلی نارضایتی عمومی از مقام های ایالتی بر سر مسائلی همچون مالیات اضافی، قیمت بسیار زیاد مواد غذایی، کمبود نان، حکام و والیان منفور و. . . بود (فوران، ۱۳۸۸: ۲۳۸) «قاجارها با حفظ توازن ظریف و تحریک ماهرانه تعصبات قومی، امنیت خود را تامین می کردند» آنها در اغلب مناطق می توانستند با ایجاد تفرقه داخلی یا برانگیختن رقبای موجود، مخالفان را سرکوب کنند (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۹) در این دوره شهرها به محله هایی تقسیم می شدند که هر کدام یک کدخدا (خان) داشتند. او نماینده محله در

ارتباطات با دنیای خارج - به ویژه محلات همجوار و دولت - محسوب می‌شد و در دعاوی داخلی واسطه می‌شد و مالیات‌ها را جمع‌آوری می‌کرد. کدخدا (خان) فعالیت‌هایش را با متنفذان و اعیان محله، قاضی شهر، امام جمعه، شیخ الاسلام، محتسب و... هماهنگ می‌نمود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۲) محلات (شوشتر) دستوا که نعمتی خانه‌اش نیز گویند نه محله کما فصلت: موکهی، سید صالح، دکان سید، سید محمد شاه، میدان شیخ، دکان شمس، سادات، کاکا عیدی (که که عیدی)، کوزه‌گران (کیزه بناران)، اعظم محلات گرگر که حیدری خانه‌اش خوانند هفت محله کما فصلت: عبدالله بانویه (عبونو)، شاه زید، سید قاسم، اشکفتیان، قبلی، طراحیان، دروازه، و محلاتی که قریب به دروازه عسگرند آنها را دستوا و آنچه که قریب به دروازه گرگرد، گرگر خوانند (جزایری ۱۳۸۸: ۹۹. / شوشتری، ۱۳۶۳: ۵۸ / اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱ / ۶۹۲ / افشار، ۱۳۸۲: ۲۳۶) همچنین لایارد در گزارش خود می‌نویسد: «شوشتر به دوازده محله تقسیم می‌شود که بعضی از آنها تقریباً نیمه ویران و مخروبه‌اند. (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۲). برپایه گزارش‌های موجود، در میان عمال شوشتر میرزا سلطان علی خان از همه پرنفوذتر بوده است. دوبد هنگام اقامتش در شوشتر مهمان او می‌شود و درباره‌اش چنین می‌نویسد: «به منزل سلطان علی خان بزرگ یکی از خاندان محلی شوشتر و یکی از احقاء امامان مقدس محمدی هدایت شدم... میرزا سلطان علی خان نفوذ زیادی میان اعراب بیابانگرد داشت» (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۳۵ و ۳۳۶) اهل این شهر که چون اهالی سایر بلاد منقسم به حیدری و نعمتی بودند (افشار، ۱۳۸۲: ۵۶ / اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ج ۱ / ۶۹۲)

از آنجا که گرایش‌های مذهبی در شهرهای شمال خوزستان، به‌ویژه در شوشتر، پیشینه‌ای دراز دارد، قشر علما همواره صاحب نفوذ بوده‌اند و به صورت دودمان‌های بزرگ و برجسته - دودمان سادات جزایری در شوشتر در جریان‌های تاریخی دست داشته‌اند. لایارد نفوذ این طبقه را بهتر از هر گزارشگر دیگری توصیف کرده است: مردم شوشتر از نظر مذهبی متعصبند و سرسختانه به مسائل دینی و عقیدتی تظاهر می‌کنند. (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۵) «سید» در بین آنان از نفوذ و احترام فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اینان به اصول اخلاقی و معنویات پای‌بندند... در کنار خوانین و رجال سیاسی تعدادی نیز سید و شخصیت‌های متنفذ روحانی وجود دارد، با این‌که این روحانیون در دسته‌بندی‌ها شرکت نمی‌کنند، لیکن در حقیقت هر کدام به وسیله یکی از این خوانین حمایت و پشتیبانی می‌شوند (لایارد، ۱۳۶۷: ۷۶؛ افشار، ۱۳۸۲: ۵۶)

### تداوم حاکمیت سادات مرعشی از دوره صفویه تا قاجار به

در سال‌هایی که فتحعلی خان پسر واخوستی خان در شوشتر حکومت داشته است (۱۱۰۶- ۱۰۷۸ ه.ق) میرزا کاظم از بزرگان مرعشی محسوب می‌شده است (مرعشی ۱۳۶۵: ۹۱) میرزا عبدالکریم فرزند میرسید علی سوم مدت‌ها حاکم شوشتر بود او مردی عالم و دانشمند بود و به همه فنون و کمالات آراسته بود. با وجودی که حاکم شوشتر بود و وجوه دولتی را در اختیار داشت

زندگی خود را از محل املاک پدری اداره می کرد و از وجوه دولتی استفاده نمی کرد (مرعشی ۱۳۶۵: ۱۰۳)

از اعظم خاندان مرعشی میرزا عبدالکریم خان بن میر سید علی، سیدی بزرگ منش و باوقار بود. چندی از پیشگاه محمد کریم خان زند حکومت شوشتر به او مفوض گردید اعیان را با او صفایی نبود. در شکست کار او به پایه سریر سلطنت سعی ها نمودند و آخر الامر معزول شد (میرعبداللطیف شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۶۵) میرزا ابوالفتح فرزند میر سید علی سوم در زمان آقا محمدخان قاجار حکومت شوشتر را داشت او مردی عالم و باتقوا بود. با رعایا به عدل و انصاف رفتار می کرد. در سال ۱۲۰۹ ه. ق. به امر آقا محمدخان قاجار در کرمان شهید شد شاه قاجار که به اشتباه خود پی برد پشیمان شد و سعی کرد با برقراری مستمری برای فرزندان او گذشته را جبران کند. (مرعشی، ۱۳۶۵: ۱۰۴)

### میرزا عبدالله بیگلربیگی مرعشی

مرحوم میرزا عبدالله بن میرزا سلطان حسن خان معروف به بیگلربیگی در زمان ریاست و حکمرانی خود در شوشتر، مدرسه ای بنا کرد. مرحوم سید نعمت الله بن محمد هادی بن عبدالله نورالدین جزایری در خاتمه کتاب فائق البیان گوید: میرزا عبدالله بن میرزا سلطان حسن خان با وصف اشتغال به خدمات به تقدیم خدمات دیوانی به تطوعات و مسنونات و عباداتی که در شریعت مطهره حث و ترغیب در آنها وارد شده از تهجد لیالی و صیام ایام مخصوصه شهر و سایر مستحبات کمتر چیزی از آن ها از او فوت می شود به قدر وسع و مقدرت در اعانت فقرا و مواسات و غمخواری غربا و ابناء السبیل و رفع فاقه محتاجین از خود به قصور راضی نمی شود. آغاز بنای مدرسه ای در کمال زیب و حسن فضا نموده به اتمام رسانید و به دارالهدایه موسوم ساخت و بعضی املاک و مستغلات خود را به تفصیلی که در وقفنامه آن تحریر یافته، وقف مدرسه قرار داد و اکنون آن مدرسه مسکن طلبه اهل بلد و واردین آن از سایر بلاد و مجمع تدریس علوم است. بنای این مدرسه در سال هزار و دویست و سی و یک هجری قمری (۱۲۳۱ ه. ق.) زمان حکومت مرحوم شاهزاده محمدعلی میرزا پسر فتحعلی شاه در خوزستان بود. این مدرسه عمر طولانی نداشت پس از چند سالی بیگلربیگی کشته شد در سال ۵ ه. ق و بساط این مدرسه و اساس او برچیده شد. نه جای مدرسه معلوم، نه موقوفات او (شرف الدین، بی تا: ) میرزا عبدالله بن میرزا سلطان حسن خان معروف به بیگلربیگی (مرعشی شوشتری ۱۲۴۷ ه. ق به قتل رسید: در دوره قاجاریه، خاندان سادات مرعشی هم حکومت داشته اند. در این باره صاحب الذریعه الی تصانیف شیعه توضیحاتی داده) سید محمد بن سید عبدالکریم معروف به است (آقابزرگ، ۱۴۰۸ ه. ق.: ۳۵۸/۱۶) معلم مدرسه ای بنا نمود مقابل خانه خودش در محله قییلی این مدرسه تا زمان آقا سید احمد معلم باقی بود و عمده تحصیلات مرحوم جدم در این مدرسه

بود. بعدها این مدرسه خراب شد. آقا سید محمد معاصر مرحوم آقا سید مهدی بحر العلوم و مرحوم کاشف الغطاء بوده است.

میرزا عبدالله فرزند ارشد میرزا حسن خان معروف به بیگلربیگی از افراد شایسته و عالم و مقتدر سادات مرعشی شوشتر بود. مدت ها حکومت شوشتر و حومه آن را داشته است. حکم واگذاری املاک کوشکک از اراضی عقلی شوشتر به نام ایشان و در سال ۱۲۳۰ ه. ق. نزد نگارنده شجره سادات مرعشی موجود بوده است. از او فرزند پسری به جا نمانده است. یک دختر داشته به نام فاطمه سلطان که به خانم بزرگ معروف بوده است. (مرعشی ۱۳۶۵: ۱۱۷)

میرزا سلطانعلی خان پسر میرزا حسن خان مرعشی بود مدت ها وزیر و پیشکار خوزستان بود به شجاعت و سخاوت شهرت داشت. (مرعشی ۱۳۶۵: ۱۳۳) میرزا اسدالله فرزند سلطانعلی خان مرعشی مدتی نیابت حکومت شوشتر را داشت در زمان حکومت او مردم به آسودگی می زیستند.

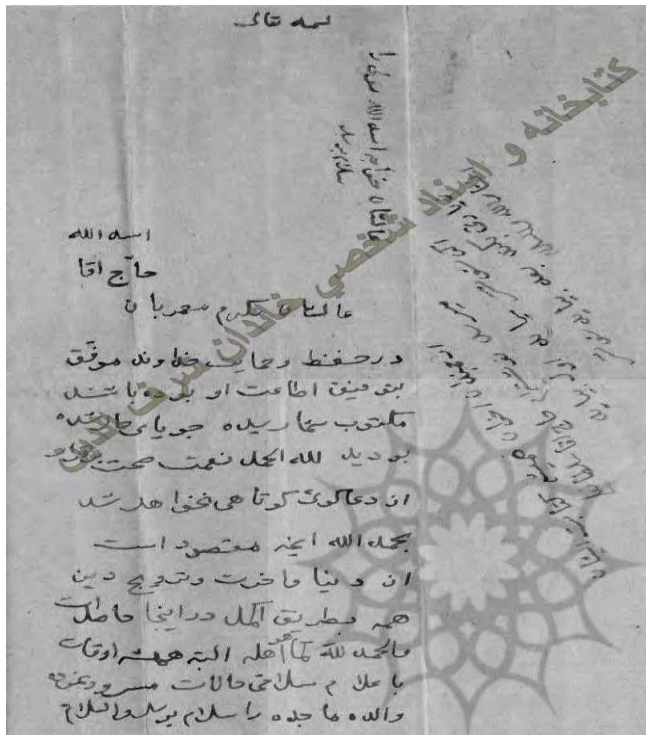
مادام دیالافوا در سفرنامه خود از رفتار انسانی خدمتکاران میرزا اسدالله مرعشی با دزدها و قاتلین که در زندان خان بودند به نیکی یاد می کند وی از باغ و ایوان خانه و منظره و دشت مقابل آن تعریف بسیار کرده است. تصویری از خانه (دیوانخانه) را نیز چاپ کرده است. (دیالافوا ۱۳۶۱: ۶۵۶). (مرعشی، ۱۳۶۵: ۱۳۴) در دوره سید علی بن مولی خلف، سید نعمت الله جزایری حضور داشته است. سید نعمت الله جزایری از پیشگاه پادشاه سلیمان صفوی، شغل جلیل شیخ الاسلامی و قضاوت و تدریس و نیابت صدارت و امامت جمعه و جماعت و تولیت مسجد جامع و امر به معروف و نهی از منکر و سایر مناصب شرعیه بلد و بلوک مرجوع شدند. (۱۰۷۹ ه. ق) (میر عبداللطیف خان شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۱-۱۰۲) فرزند ایشان سید نورالدین در سال ۱۰۸۸ ه. ق. متولد شد و بعد از درگذشت پدر، به دلیل مهارت در علوم مختلف، مناصب شرعیه را در شوشتر برعهده داشتند. (۱۱۱۲ ه. ق) (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۵-۱۰۶). سید رضی بن سید نورالدین بن سید نعمت الله: کسب فضایل در خدمت والد و برادر نموده و به درجه کمال رسید. در جوانی به هندوستان رفت. در حیدرآباد دکن در خدمت نظام الملک آصفجاه بود با وجود اصرار آصفجاه برای پذیرش مناصب دولتی نپذیرفت. (۱۱۶۴ ه. ق) وفات ایشان اتفاق افتاد. (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۱۹-۱۲۰)

سید ابوالحسن فرزند سید عبدالله (مؤلف تذکره شوشتر): در دوره کریم خان زند منصب شیخ الاسلامی به او مرجوع شد (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۲۱)

### شیخ جعفر شوشتری

فقیه و دانشمند و واعظ مشهور که در وعظ و ارشاد، زهد، تقوا، علوم دینی و روحانیت نه تنها در خوزستان، بلکه در بیشتر شهرهای ایران و بخصوص در تهران شهرت و معروفیت داشته است. (نیرومند، ۱۳۴۴: ص ۷۶) زادگاهش شوشتر و اسلافش نسل در نسل اهل وعظ و منبر بوده اند تحصیلاتش در نجف اشرف نزد علما و مشاهیری چون جوهر الکلام و شیخ مرتضی انصاری شوشتری بوده است. در

پایان عمر برای زیارت مشهد الرضا (ع) به ایران آمد و در تهران، ناصرالدین شاه قاجار او را مورد احترام و تکریم قرار داد وی در مسجد ناصری (سیهسالار) اقامت کرد در هنگام مراجعت به عتبات در سال ۱۳۰۳ هـ.ق در کرد کرمانشاه درگذشت و جنازه او را به نجف بردند از آثار اوست، حصان الحسینه، اصول الدین یا حدائق فی الاصول مجالس البکاء و منهج الرشاد (نیرومند، ۱۳۸۴: ص ۷۷)



سندی که در دست می باشد مربوط به نامه ایشان به یکی از تجار شوشتر بنام حاج آقا اسداله صاحب تاجر شوشتری است (برادر حاج سلطانعلی صاحب تاجر شوشتری) که از دوستان ایشان بود، از آنجایی که آقا اسدالله برادر بزرگ آقا سلطانعلی بوده، از نظر سنی به حاج شیخ جعفر نزدیکتر بوده است؛ این سند فاقد تاریخ است اما می توان نوشتن آن را بین سال های ۱۳۰۱-۱۲۹۱ هجری قمری مصادف با ۱۲۶۳ - ۱۲۵۳ هجری شمسی دانست. بسمه تعالی.

عایشان مکرم مهربان حاج آقا اسداله در حفظ و حمایت خداوند موفق به توفیق اطاعت او بوده باشند مکتوب شما رسیده جوایای حال شده بودید لله الحمد نعمت صحت برقرار از دعا گویی کوتاهی نخواهد شد بحمداله آنچه مقصود است از دنیا و آخرت و ترویج دین همه بطریق اکمل در اینجا حاصل است



و الحمد لله كما هو اهله البتة همیشه اوقات  
 باعلام سلامتی حالات مسرور نموده  
 والده ماجده را سلام برسد والسلام .  
 در حاشیه سند : ارجمندان اخوان همیشه کتابت ایشان  
 می رسد نوشته ام حاج سلطانعلی  
 اگر شوشتر میاید اول بیاید  
 زیارتی بکند (عتبات ) بعد بیاید شوشتر  
 انشاء اله والسلام .

و در قسمت دیگری از حاشیه سند :

عالیشان خواجه اسداله مولا را سلام برسد .

در پشت سند مهر علامه حاج شیخ جعفر شوشتری به این مضمون ثبت گردیده :

لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده جعفر (بازنویسی سند ، سعید زاهد زاده، شوشترپژوه)

درگیری ها و اختلافات در بین سادات کلاتر و مرعشی و مشایخ شوشتر

یکی از کارهای انگلیسیان در این سالها بستن پل آهنی بند قیر بود. از حادثه‌های شوشتر در  
 زمان انگلیسیان یکی کشته شدن آقا شیخ مرتضی مجتهد و دیگری کشته شدن حاج سید عبد الله  
 امام جمعه است آقای شیخ مرتضی به دشمنی انگلیس برخاسته مردم را بر ایشان می‌آغاییده تا در سال  
 ۱۳۳۵ شبی به دست کسان ناشناسی کشته می‌شود اما حاجی سید عبد الله که از خاندان سادات  
 جزایری و از پیشوایان علمای شوشتر بوده رئیس عدلیه شوشتر بودند. روزی هنگامی که در جلو خان  
 خانه خود نشسته و چند تن از کسانش با او بودند ناگهان چندتن اوباش از گوشه‌ای درآمد با شلیک  
 طپانچه او را از پای درمی‌آوردند در این هنگام قونسول انگلیس به دزفول رفته بوده برخی آغاوات بویژه  
 کلاتریان فرصت به دست آورده می‌خواهند بازار فتنه را که از زمان درآمده انگلیسیان از گرمی افتاده  
 بود بار دیگر گرم گردانند و این است که که پیش آمد را دست‌آویز ساخته به شورش برمی‌خیزند.  
 قونسول از شنیدن خبر بزودی به شوشتر آمده به خوابانیدن فتنه می‌کوشد و یکی دو تن از کلاتریان  
 را با سید رضا نامی از آقایان دیگر که بیش از دیگران شورش کرده بودند گرفته به دار می‌کشد. چون  
 اینان به شوشتر درآمدند هر یکی در محله خود تفنگچی گرد آورده درهای دیوانخاهای کهن را باز  
 نمودند و کم‌کم به ادارات پیچیدگی نمودند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۲۵۸)

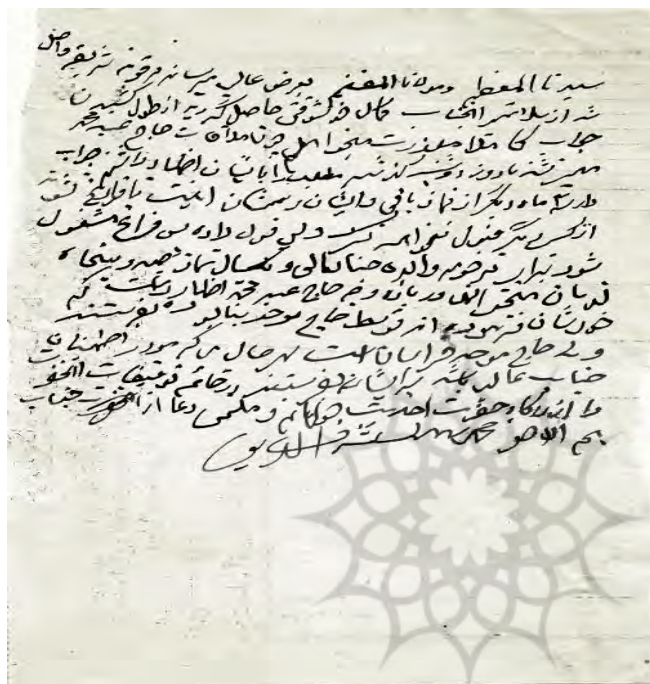
شهرهای ایران در دوره قاجاریه، شاهد درگیری های گروهی بود. همیشه بین این گروه ها اختلاف  
 و تعصب وجود داشت و در سه روز آخر ماه محرم بیشتر می شد و یا یک گروه مسجدی را برای  
 عزاداری آماده می کردند گروه دیگر مانع می شد. (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۲۸) در شهر شوشتر در روزهای  
 هشتم که روز عباس (س) نامیده می شود و به مقام عباس می روند و روز نهم روز علی اکبر (س)

می باشند و به مقام براء (براء بن مالک انصاری) رفته و روز دهم که روز عاشورا است، به مقام امام زاده عبدالله می روند، بیشتر درگیری و خصومت ها در این سه روز روی می داد. متأسفانه هنوز هم در این سه روز درگیری هایی که نشان از کینه و عداوت می باشد، بروز می کند. (تحقیقات میدانی نگارنده) در دوره قاجار، در شهرها نبردهای حیدری و نعمتی و همچنین شیخی و متشرع اتفاق می افتاد. اینان با هم وصلت نمی کرده اند، کسی از منطقه خود، پا بیرون نمی گذاشت و از قهوه خانه، زورخانه، حمام، دکان، تکیه و محله یکدیگر حذر داشتند. (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۲۹) در شهر شوشتر، علاوه بر درگیری های حیدری و نعمتی، نزاع متشرع و شیخی هم وجود داشته است. در شوشتر طرفداران عالمان مذهبی که عوام (غیر سادات بودند) با طرفداران عالمان مذهبی که خواص (سادات بودند) درگیری و اختلافات عمیقی داشته اند. اگر چه اهل صوفیه نیز گاه در شوشتر دیده می شده اند و خصومت عالمان دینی با صوفیه و طرفداران نیز حکایت دیگری داشته است. در شوشتر به فاصله ۵۰ متر، مساجدی وجود دارد که نشان از برحذر بودن این مردم از محله های هم جوار بوده است. برای نمونه در محله موگهی (مسیر جاده ترمینال شوشتر) ۲۰ مسجد به فاصله کوتاهی از یکدیگر دیده می شوند که قدمت هر یک از آن ها به بیش از دویست سال رسد. (تحقیقات میدانی نگارنده)

کسروی مطالبی پیرامون خانواده های مذهبی و سرشناس شوشتری بیان می کند: «در شوشتر خانواده های بزرگی هستند و با ما مهربانی بسیار می نمودند یکی از آنها خانواده ی جزایری است که مردان با فهم و مهربان بسیار داشت آقا سید نورالدین (منظور کسروی، مولف کتاب تاریخ جغرافیایی خوزستان، سید نورالدین امام شوشتری که برادر بزرگتر سید محمد علی امام شوشتری بوده است) با همه ملایی، نواندیش بود اینجا برعکس زنجان ملاها با عدلیه پشتیبانی می نمودند دیگری خانواده علوی می بود، حاج سید مهدی علوی که هندوستان را هم دیده بود با ما بسیار مهربانی می کرد کم کم تکانی در کارهای عدلیه پدید آمد.» (کسروی، ۱۳۲۳: ۶۰-۵۹)

کرزن، گزارش مفصلی درباره نقش سادات محلی ارایه می دهد؛ اما او، سادات محلی را نمی شناسد و منظورش سادات تلغری شوشتری که آنها ملقب به سادات قیری بوده اند و در مناطق بندقییر و هفت شهیدون (شیدون) که امروزه جزو مناطق شهری شوشتر محسوب نمی شود حضور فعال داشته اند، لازم به ذکر است امروزه سادات تلغری که در مسجد سلیمان هستند به گویش بختیاری صحبت می کنند اما سادات تلغری (تلغری) که در شوشتر مانده اند به گویش شوشتری صحبت می کنند. (تحقیقات میدانی نگارنده). کرزن می نویسد: سادات محلی ادعای مالکیت این چاه ها را دارند. محل ثانوی در بیست و چهار میلی ویس در ساحل کارون است و بنی داود در چهل و پنج میلی جنوب شرقی شوشتر. در آنجا شش گودال کم عمق در مسیر نهری است که یکی از آن ها فعلاً محصول نفت دارد و روزانه سی و چهار گالن نفت سفید تولید می کند که بدون تصفیه در چراغ به کار می برند و در بازارهای شوشتر و اصفهان و تهران فروخته می شود و آن در اجاره یکی از متنفذین شوشتر است.

دسته دوم چاه نفت هفت شیدون (هفت شهیدون) در هیجده فرسخی سمت شمالی شوشتر بالاتر از جلگه عقیلی کارون است. این چاه ها که در دست سادات شوشتری است روزانه سی گالن نفت سبز سیمرنگ محصول می‌دهد که عرب ها آنرا برای ضماض زخم شتر به کار می‌برند. در هریک از موارد مزبور وضع و حال از ناحیه دلیکی مساعدتر نیست. هزینه حمل ماشین‌ها خیلی گران است. (کرزن، ۱۳۸۲: ۱۲/۶۲۰)



پیش نویس نامه ای از آقاشیخ مهدی شرف الدین مرحوم آقا شیخ محمد مهدی شرف الدین با وجود قابلیت های فراوانی که داشتند، در خوشنویسی مستعد نبودند و بیشتر اوقات اسناد و نوشته های مهم ایشان را مرحوم آقا شیخ محسن شرف الدین - برادر وی - که دارای خط زیبایی بود می نوشت. از میان دست نوشته های فراوانی که از آقا شیخ مهدی به جا مانده، به صورت تصادفی سندی را انتخاب کرده

ایم که تصویر آن را به همراه روان نویسی سند مورد نظر جهت استفاده آرایه می نماییم. سیدنا المعظم و مولانا المعنم، به عرض عالی می رساند مرقومه شریفه واصل شد، از سلامتی آن جناب کمال خوشوقتی حاصل گردید، از طول کشیدن جواب کاملاً معذرت می خواهم چون ملاقات حاج عبد محمد میسر نشد تا روز دوشنبه گذشته، مطلب را به ایشان اظهار داشتیم جواب داد سه ماه دیگر از نماز باقی {است} و ایشان رسمشان این است تا فارغ نشوند از کس دیگر قبول نخواهد کرد ولی قول داده پس {از} فراغ مشغول شود برای مرحومه والده جنابعالی و یکسال نماز صد و پنجاه تومان می خواهند؛ درباره وجه حاج عبد محمد اظهار داشت که خودشان فرموده اند توسط حاج موحد بنا بوده بفرستند ولی حاج موحد خراسان است، به هر حال هر که مورد اطمینان جناب عالی باشد برایشان بفرستید، در خاتمه توفیقات آن حضرت را از درگاه حضرت احدیت خواهانم و ملتتمس دعا از جناب هستم، الاحقر محمد مهدی شرف الدین



سند مزبور گویای این باور دینی است، افرادی که از دنیا می روند و نماز و روزه ای بر گردن آنان باقی مانده، بر عهده پسر بزرگ متوفی است که یا خود بجای پدر آن نماز و روزه را به جا بیاورد و یا به افرادی که بدین طریق امرار معاش می کنند واگذار نماید، طبق این باور بخشی از پول به جا مانده از متوفی می بایست به این کار تخصیص داده شود. (بازنویسی سند، سعید زاهد زاده، شوشترپژوه)

### نتیجه گیری

طبقه روحانیت با در دست داشتن کتابخانه ها و مدارس و مساجد شوشتر قدرت علمی و معنوی بسیار مهمی شمرده می شد. یکی از ویژگی های بارز شوشتر، تداوم حاکمیت سادات در این شهر است. سادات مرعشی که عموماً تحصیلات حوزوی دارند از ارکان مهم قدرت سیاسی در شوشتر محسوب می شده اند. (از دوره تیموری تا اوایل دوره پهلوی)

خاندان سادات مرعشی شوشتر علاوه بر مهارت در علوم مذهبی و لیاقت و کاردانی در امور حکومت در آبادانی و رونق شوشتر نیز قدم برداشتند. تأسیس کتابخانه های بزرگ شوشتر، ایجاد نهادهای عقیلی، جنت مکان، شاه ولی در شوشتر از اقدامات خاندان سادات مرعشی محسوب می شود. و هم چنین تلاش های آنها در ترویج مذهب شیعه در میان مردم شوشتر را نباید نادیده گرفت. فداکاری های این خاندان در جهت اثبات مذهب شیعه تا جایی پیش رفت که یکی از افراد این خاندان به نام قاضی نورالله دوم به شهید ثالث معروف شد.

سادات مشعشی نیز توجه خاص به فرهنگ، علوم و ادب داشتند به طوری که مدارس و کتابخانه ها را تأسیس، دانشمندان و ادیبان را مورد حمایت خود قرار دادند. فعالیت های آنان باعث شد که فرهنگ خوزستان خصوصاً شوشتر پیشرفت کند. از دیگر شهر های خوزستان که در زمینه فرهنگی در این دوران رشد داشتند شهر کهن شوشتر بود در مقام مرکز علمی، دینی و فرهنگی موقعیت خود را حفظ کرد. و خاندان های بومی شوشتر مثل سادات تلغر و مرعشیان و خاندان جزایری به پیشرفت فرهنگی آن کمک کردند. حوزه علمیه شوشتر از حوزه های علمیه پر رونق دوره صفویه تا قاجاریه محسوب می شده است که بزرگانی همچون قاضی نورالله مرعشی شوشتری «شهید ثالث» و سید نعمت اله جزایری در آن حضور داشته اند.

مدارس و کتابخانه های شوشتر نقش اساسی در تربیت دینی و مذهبی طالبان علم داشته است. در شوشتر مساجد، مدارس و کتابخانه ها، در یک مکان وسیع ساخته می شده اند. برخی از این مساجد چندین حجره و باب مغازه وقف خود داشته اند. هزینه های دریافتی از این مغازه ها صرف مرمت و بازسازی مساجد و مدارس و کتابخانه ها می شده است. با از بین رفتن مدارس و کتابخانه ها در شوشتر، وضعیت فرهنگی این شهر، تنزل پیدا کرد. بیشتر مشتاقان علم و دانش برای کسب علوم دینی به شهرهای دیگری همچون مشهد، اصفهان، نجف، سامرا، کربلا مهاجرت نمودند و در این شهرها برای

همیشه ماندگار شدند. بسیاری از نخبگان و فرهیختگان شوشتری، از خانواده های مرعشی، جزایری، آل طیب و شیخ شوشتری که مدرسان حوزی و محققان دینی شوشتر محسوب می شدند، از شوشتر مهاجرت کردند و در عراق (شهرهای نجف، کربلا، سامرا، کاظمین) و هندوستان (شهرهای آگره (آگرا)، کلکته، بمبئی) وفات نموده اند.

### منابع و مآخذ

- اشپولر و دیگران (۱۳۸۰). تاریخ نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
- اسکاکپول، تدا (۱۳۸۸). بینش و روش در جامعه شناسی تاریخی، ترجمه سید هاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.
- برگ، پیتر (۱۳۸۱). تاریخ و نظریه اجتماعی، ترجمه غلامرضا جمشیدیها، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بیات، کاوه و دیگران (۱۳۸۲). مورخان و تاریخ اجتماعی، کتاب ماه. تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۳، آبان
- ممتاز، فریده (۱۳۸۳) معرفی مفهوم طبقه از دیدگاه بوردیو، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۱-۳۲، بهار و تابستان.
- افندی تبریزی، میرزا عبدالله (۱۴۰۱.ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلا، قم: مطبعه الخیام.
- ابن بطوطه، شمس الدین (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگه.
- حسینی القمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین (۱۳۸۳). خلاصه التواریخ، تهران: دانشگاه تهران.
- جنید شیرازی، جنید بن محمود، (۱۳۶۴). تذکره هزار مزار، تهران: کتابخانه احمدی شیراز.
- خصری، سید احمد، حسینیان مقدم، حسین و دیگران (۱۳۸۶). تاریخ تشیع ۲ (دولت ها و خاندان ها و آثار علمی و فرهنگی شیعه)، تهران: سمت.
- شرف الدین، آقا شیخ مهدی (بی تا). تاریخ شوشتر، نسخه خطی، بی جا: بی نا.
- تهرانی، شیخ آقابرگ (۱۴۰۸.ق). الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ۲۵ مجلد، تهران، قم: اسماعیلیان - اسلامیة
- شوشتری مرعشی الحسینی، علاء الملک (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، مقدمه و تصحیح و تعلیق، میر جلال الدین ارموی محدث، تهران: بهمن.
- احمد کسروی (بی تا). تاریخ پانصد ساله‌ی خوزستان. تهران: خواجه.
- مرعشی، علی اکبر (۱۳۶۵). شجره خاندان مرعشی، تهران: بی نا.

همایونفر، رکن الدین (۱۳۴۷). تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و هنر. شماره ۶۶.

نوایی، عبدالحسین، غفاری فرد، عباسقلی (۱۳۸۶). تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.

کسروی، احمد، مشعشعیان، تهران، انتشارات سحر، ۱۳۷۸ ش

جزایری، محمد، شجره مبارکه یا برگی از تاریخ خوزستان، اهواز، بی نا، بی تا

جزایری، سیدنعمت الله، لانوارالنعمانیه، تبریز، انتشارات چاپ، ۱۳۸۲

رنجبر، محمدعلی، مشعشعیان، ماهیت فکری اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی، تهران انتشارات آگاه، ۱۳۸۲ ش

شبر، جاسم حسن، تاریخ المشعشعین و تراجم اعلامهم، نجف اشرف، مطبه الاداب، ۱۳۸۵ ق (۱۹۶۵م) افشار یزدی، ایرج (گردآورنده)، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، تهران، بنیاد موقوفات دکتر ایرج افشار، ۱۳۸۰

ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲، چاپ سوم جزایری شوشتری، سیدعبدالله، تذکره‌ی شوشتر، به تصحیح مهدی کدخدای طراح، اهواز، تراوا، ۱۳۸۸

الحسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین، خلاصه التواریخ، به تصحیح احسان اشراقی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، چاپ دوم

شوشتری مرعشی حسینی، علاء الملک، فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، به تصحیح سید جلال الدین ارموی محدث، تهران، چاپخانه بهمن، ۱۳۵۲، چاپ اول

صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، ج ۵، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸

شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ج ۱، قم، مکتب آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ ه.ق

شوشتری، نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۱، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۱

مرعشی، علی اکبر، شجره‌ی خاندان مرعشی، ج ۱، تهران، بی نا، ۱۳۶۵

منشی قزوینی، بوداق، جواهرالخبار، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۷، چاپ اول

نوایی، عبدالحسین و عباسقلی غفاری فرد، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، تهران، سمت، ۱۳۸۶

واله قزوینی، یوسف، خلدبرین، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲، چاپ دوم

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۷). تاریخ ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران نشر مرکز.

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی و دیگران، تهران، نشر نی.

افشار، حسنعلی خان، (۱۳۸۲). سفرنامه لرستان و خوزستان، تصحیح حمید رضا دالوند، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

امام اهوازی، محمد علی، (۱۳۷۹). تاریخ خوزستان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

امام شوشتری، محمدعلی، (۱۳۳۱). تاریخ جغرافیای خوزستان، تهران، موسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷). مرآة البلدان تصحیح نوایی، عبد الحسین، محدث، هاشم تهران، دانشگاه تهران.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، تهران، دنیای کتاب.

دوبد، کلمنت، (۱۳۷۱). سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران، نگاه.

جزایری شوشتری، سیدعبدالله (۱۳۸۸). تذکره شوشتر، مقدمه و تصحیح مهدی کدخدایی طراحی، اهواز، تراوا.

لایارد، هنری، (۱۳۶۷). سفرنامه مترجم مهراب امیری، تهران، وحید.

سایکس، سر پرسی، (۱۳۸۰). تاریخ ایران ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، تهران، افسون.

سپهر، احمد علی، (۱۳۳۶). ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ تهران بی نا.

شمیم: علی اصغر (۱۳۸۷). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران، بهزاد.

شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۹۱). مجالس المؤمنین، تهران، انتشارات اسلامیه.

شوشتری مرعشی الحسینی، علاءالملک، (۱۳۵۲). فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن، مقدمه و تصحیح و تعلیق، میرجلال الدین ارموی محدث، تهران، چاپخانه بهمن.

شوشتری، میرعبداللطیف خان، (۱۳۶۳). تحفه العالم، به اهتمام صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری کازاما، آکی یو، (۱۳۸۰). سفرنامه کازاما، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کروسینسکی (۱۳۶۹). ده سفرنامه، ترجمه مهراب امیری، تهران، وحید.

کسروی، احمد، (۱۳۸۳). تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیر کبیر.

کسروی، احمد (۱۳۸۴). تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران، دنیای کتاب.

کسروی، احمد (بی تا). ده سال در عدلیه، بی نا، بی جا.

کرزن، جورج ناتانیل، (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، تهران، علمی و فرهنگی.

گرانوسکی، آ. و دیگران، (۱۳۵۹). تاریخ ایران نا زمان باستان تا امروز، ترجمه، کیخسرو کشاورزی، تهران، پویش.

فوران، جان، (۱۳۸۸). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، تهران، خدمات فرهنگی رسا. فراهانی، حسن، (۱۳۸۵). روز شمار تاریخ معاصر ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی. فسایی، حاج میرزا حسن، (۱۳۸۲). فارسنامه نصری تهران، امیر کبیر.

علوی شیرازی، محمد هادی (۱۳۶۳). سفرنامه میرزا ابوالحسن خان شیرازی، تهران، دنیای کتاب.

مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۸). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیرکبیر.

مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴). شرح زندگانی من، تهران، زوار.

قاجار، رضا قلی میرزا (۱۳۷۳). سفرنامه رضا قلی میرزا نایب الایاله، تهران، اساطیر.

ناصر الدین شاه قاجار، (۱۳۶۲). سفرنامه عراق عجم، تهران، تیراژه.

عبدالملک، علیرضا، (۱۳۷۰). سفرنامه عضد الملک به عتبات، تهران، موسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.

ناشناس، (۱۳۸۸). سفرنامه های خطی فارسی، تهران، نشر اختران.

نظام السلطنه مافی، حسین قلی خان، (۱۳۶۲). خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، تصحیح معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدونیان و حمید رام پیشه، تهران، نشر تاریخ ایران.

نجم الدوله، عبد الغفار بن علی محمد، (۱۳۸۶). سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران

نیرومند، محمدباقر، (۱۳۸۴). یادى از شوشتر، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۹). دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی، تهران، نشر مرکز.

والی زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۰). تاریخ لرستان روزگار قاجار، تهران، حروفیه.

والی زاده معجزی، محمدرضا (۱۳۸۲). تاریخ لرستان، روزگار پهلوی، تهران، حروفیه.

آبراهامیان، یراوند (۱۳۸۷). تاریخ ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمندی و دیگران، تهران: نشر مرکز.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی .

ازغندی، علیرضا (۱۳۹۲). روابط خارجی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰ ش)، تهران: قومس.

اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷). مرآة البلدان، تصحیح نوایی، عبد الحسین، محدث، هاشم تهران، دانشگاه تهران.

کازاما، آکی یو، (۱۳۸۰). سفرنامه کازاما، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- کسروی، احمد (۱۳۲۳). ده سال در عدلیه، تهران: بی نا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: دنیای کتاب.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۹). دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
- کرزن، جورج ناتائیل (۱۳۸۰). ایران وقضیه ایران، ترجمه وحید غلامعلی مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- فوران، جان (۱۳۸۸). مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۸). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.
- نجم الدوله، عبدالغفار بن علی محمد (۱۳۸۶). سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- ولی عرب، مسعود، (۱۳۹۵). تاریخ سیاسی \_ اجتماعی شوشتر از ورود خاندان واخوشتی خان گرجی تا پایان حکومت افشاریه، اهواز: تر آوا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی شوشتر در دوره قاجاریه، فصلنامه علمی - تخصصی تاریخنامه، دانشگاه خوارزمی، شماره ۱۰، صص ۱۵۱-۱۷۲
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵). بررسی تاثیر تجارت و بازرگانی بر حیات اقتصادی شوشتر در دوره قاجاریه، فصلنامه علمی - تخصصی دانشگاه خوارزمی، تاریخنامه، شماره ۱۱. صص ۱۵۴-۱۷۹
- مورسین دوورژه، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، جاویدان، ۱۳۵۸
- بروس کوئن، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۷۳
- ژرژ گوروویچ، مطالعه درباره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲
- حسین بشیریه، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷،
- تقی آزادار مکی، جامعه شناسی فرهنگ، تهران، نشر علم، ۱۳۹۳.
- شهرام یوسفی فر، شهر و روستا در سده های میانه تاریخ ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰
- کریم نجفی بزرگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران، پیام نور، ۱۳۹۳،
- مهدی ادریسی آریمی، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفوی، تهران، پیام نور، ۱۳۹۴، ص ۶۴، زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران، تهران، راه سخن، ۱۳۸۳،
- مریم میراحمدی، دین و دولت در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹
- احمد تاج بخش، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۱
- دیوانسالاری، در عهد سلجوقی، کارلا کلوزنر، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر

- رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، صدر، ۱۳۷۰،  
شهرام یوسفی فر، شهر و روستا در سده های میانه تاریخ ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و  
مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰  
کریم نجفی بزرگر، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه، تهران،  
پیام نور، ۱۳۹۳،  
مهدی ادریسی آریمی، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفوی، تهران، پیام نور، ۱۳۹۴، ص ۶۴،  
زرینکوب، عبدالحسین، روزگاران، تهران، راهسرخ، ۱۳۸۳،  
مریم میراحمدی، دین و دولت در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹  
احمد تاجبخش، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران، شیراز، نویدشیراز، ۱۳۸۱  
دیوانسالاری، در عهد سلجوقی، کارلاکلوزنر، ترجمه یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر  
رسول جعفریان، دین و سیاست در دوره صفوی، قم، صدر، ۱۳۷۰.

